

Principles and Methods of Good Governance in the Islamic Revolution with an Approach to the Idea of the Supreme Leader¹

Ali akhtarshahr¹

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan; a member of the political studies association of the domain, Qom, Iran. akhtarshahr@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review principles and methods of good governance in the Islamic revolution with an approach to the idea of the Supreme Leader. In this regard, the compatibility of this idea is compared to the current governance method in the Islamic revolution and the ideology of Wilāy-e Faqih. The method of study is content analysis and the results indicate that the contents and components written in the theory of good governance are not in contradiction with the ideas of the Supreme Leader, but rather the theory of good governance in his view is based on some principles which can be achieved through self-improvement, society-improvement, and government-improvement. This issue can lead the Islamic Republic in the second step of the Islamic revolution to a more favorable and efficient place.

Keywords: Good Governance, Political Idea, Supreme Leader, Islamic Revolution.

1. **Received:** 2020/12/19 ; **Revised:** 2022/01/05 ; **Accepted:** 2022/06/10 ; **Published online:** 2022/06/22

DOI: 10.22034/sm.2022.137816.1645

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



اصول و روش حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکردی بر اندیشه مقام معظم رهبری^۱

علی اخترشهر^۱

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. akhtarshahr@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اصول و روش حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی با رویکردی بر اندیشه مقام معظم رهبری است. در این راستا، میزان سازگاری این ایده با شیوه حکمرانی موجود در نظام جمهوری اسلامی و اندیشه ولایت فقیه بررسی می‌شود. روش پژوهش تحلیل محتوا بوده و نتایج حاکی از آن است که مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی مطلوب، تضاد و تعارضی با اندیشه‌های مقام معظم رهبری ندارد، ولی نظریه حکمرانی مطلوب از دیدگاه ایشان، بر اصولی استوار است که از طریق خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی امکان‌پذیر خواهد بود و همین امر می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در گام دوم انقلاب اسلامی به جایگاه مطلوب و کارآمدتری برساند.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی مطلوب، اندیشه سیاسی، مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

۱. مقدمه

حکمرانی مطلوب یکی از ایده‌های نو در حیطه اداره جامعه به‌شمار می‌رود که امروزه در محافل سیاسی و اجتماعی و در میان نظریه‌پردازان مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی حکمرانی مطلوب، تغییرات آن در پرتو زمان و طرح نظریات جدیدی برای اداره جامعه است که در واقع به عنوان ایده‌ای مبتنی بر شناسایی چالش‌های دوران معاصر و همچنین ارائه راه‌حل برای آنان است.

شکست سیاست‌های توسعه در دهه ۱۹۸۰ و به ویژه تجربیات دشوار برنامه‌های تعدیل ساختاری موجب گردید تا شاهد طرح ایده‌های بدیلی چون «حکمرانی خوب» در ادبیات مرتبط با حکمرانی در جهان سیاست باشیم. این نظریه بر مؤلفه‌هایی چون پاسخ‌گویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حکومت مشارکتی و نیز وجود چارچوب قضایی - حقوقی توانمندساز تأکید دارد. از همین روی با توجه به اهمیت و تأثیر این مؤلفه‌ها در افزایش و یا کاهش کارآمدی نظام‌های سیاسی، می‌توان از وجود ارتباط مستقیم بین استقرار ایده حکمرانی خوب با میزان کارآمدی نظام سیاسی سخن به میان آورد.

همزمانی شکل‌گیری این نظریه با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران نکته قابل توجهی است؛ چراکه مؤلفه‌های مذکور به طور پررنگ در انقلاب اسلامی نیز طرح و اقامه شده است. نکته قابل تأمل در این رابطه توجه به این مسئله است که این اشتراک در الفاظ، به معنی پذیرش تمامی شرایط و قالب‌های اجرایی پذیرفته شده در این رابطه در نظام‌های غربی نیست، بلکه این ایده براساس اصول و موازین اسلامی قابل طرح و پیگیری است.

پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که اصول حکمرانی مطلوب در اندیشه مقام معظم رهبری چیست و راه رسیدن به آن چگونه است؟ به نظر می‌رسد که مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی مطلوب، تضاد و تعارضی با اندیشه‌های مقام معظم رهبری ندارد، ولی نظریه حکمرانی مطلوب از دیدگاه ایشان، بر اصولی استوار است که از طریق خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی امکان‌پذیر خواهد بود و همین امر می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در گام دوم انقلاب اسلامی به جایگاه مطلوب و کارآمدتری برساند. لذا، هدف پژوهش حاضر بررسی میزان سازگاری این ایده با شیوه حکمرانی موجود در نظام جمهوری اسلامی و تفاوت‌های آن است.

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی تأکیدات متعددی بر این مؤلفه‌ها داشته‌اند و به طور مکرر مسئولان، سیاست‌گذاران نظام اسلامی را به رعایت این اصول و موازین فرامی‌خوانند. هرچند علاوه بر اصول یادشده، مؤلفه‌های دیگری نیز در بیانات ایشان پیرامون الگوی حکمرانی شایسته قابل استخراج

است که ریشه در نگرش فقهی اسلامی ایشان دارد. از دیدگاه ایشان، مسئله اصلی در مطلوبیت یک حکومت، ماهیت و محتوای آن است که گاه از آن به نوع حکومت تعبیر می‌گردد، ولی شکل حکومت تابع مقتضیات زمان و مکان است و لذا، حکمرانی مطلوب، نوعی سیاست‌گذاری برای اداره جامعه بوده که البته در میان مکاتب سیاسی و ایدئولوژی‌های مختلف دارای تفاوت‌های قابل توجهی است. از جمله اینکه در آموزه‌های اسلامی، نوعی عمل بر مبنای شریعت در نظر گرفته می‌شود که ضمن توجه به اصول کلی شریعت، تغییرات و تحولات زمانه را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بنابراین، حکمرانی مطلوب اسلامی در اصل، وسیله‌ای برای سعادت دنیوی و اخروی انسان و عمل بر مبنای احکام و آموزه‌های اسلامی است.

۲. مفاهیم پژوهش

با توجه به اینکه محوری‌ترین مفهوم در این پژوهش، مفهوم حکمرانی است، لذا، تمرکز پژوهش بر واژه حکمرانی خواهد بود. حکمرانی^۱ مفهومی وسیع‌تر از حکومت دارد.^۲ تعاریف متعددی از حکمرانی ارائه شده است که برخی از آنان در ارتباط با مفاهیم اقتصاد و حتی اقتصادی سیاسی مطرح می‌شوند. با این حال، در تفکیک میان حکمرانی و حکومت باید گفت که حکومت صرفاً کنترل فرایندهای سیاسی، اقتصادی و مدیریتی را شامل می‌شود که توسط گروه حاکم صورت می‌گیرد و می‌توان آن را به طور مصطلح «بخش حکومتی» نام گذارد. اما حکمرانی شامل بخش حکومتی همراه با دو بخش مجزای دیگر، بخش‌های بازرگانی و جامعه مدنی نیز می‌شود. فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی فوق، مقامات کارهای خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه مطلوب» بیشتر تحقق می‌یابد (امامزاده‌فرد، ۱۳۹۰: ص ۳۱-۴۴). از این منظر، نظام حکمرانی جامعه متکفل اتخاذ تصمیمات و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است.

نیومایر^۳ (۲۰۱۲)، حکمرانی را «طریقی می‌داند که در آن خط‌مشی‌گذاران تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که براساس آن تصمیمات، امکان تحقق حقوق شهروندی فراهم می‌شود» (ابراهیم‌پور و زاهدی،

1. Governance
2. Government
3. Newmeyer

(۱۳۹۱: ص ۱۱).

لاندل و میلر^۱ حکمرانی را چگونه حکومت کردن و فرمان دادن بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم امور دولت معنا کرده‌اند. شاید دقیق‌ترین تعریف حکمرانی در گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی اینگونه باشد: حکمرانی مجموعه‌ای از ارزش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند (میدری و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۹۸). بنابراین، حکمرانی اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور کشور در همه سطوح است. حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و ارزیابی را دربرمی‌گیرد و شامل سازوکارهایی است که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌ها منابع خود را دنبال و حقوق قانونی‌شان را اعمال کرده، تعهدات خود را عملی می‌کنند و اختلاف‌نظرها را به بحث می‌گذارند (چیبامبو، ۲۰۱۸؛ به نقل از: ابراهیم‌پور و زاهدی، ۱۳۹۱).

۳. سابقه پژوهش و چهارچوب نظری

عمده تحقیقات موجود در خصوص حکمرانی خوب، بر نقش و تأثیر این نظریه بر مسائل توسعه انسانی و نیز اقتصادی تمرکز دارد، از جمله: قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی نظری حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی».

گروه دیگری از پژوهش‌ها نیز بر تأثیر و الزامات حکمرانی بر توسعه انسانی تأکید دارند، از جمله: ملکیان و بی‌باک (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی: یک تحلیل بین کشوری»، سپهردوست و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی»، رزمی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»، دادخواهی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «نقش حکمرانی خوب و اقتصاد مقاومتی در توسعه شهری».

از سوی دیگر، دسته دیگری از پژوهش‌های موجود بر بررسی نحوه ارتباط و تعامل حکمرانی خوب با مبانی نظری اسلام و جمهوری اسلامی تمرکز یافته‌اند، از جمله: درزی و صدریه (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «نگرش میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب؛ زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج‌البلاغه»، مبارک و آذریبوند (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام

و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، سردارنیا و شاکری (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا».

با توجه به مرور سابقه پژوهش به نظر می‌رسد در ارتباط با پژوهش حاضر، خلاءهای پژوهشی بسیاری وجود دارد و زوایای بسیاری در این امر همچنان مغفول مانده است. وجه بداعت و نوآوری این تحقیق در تلاش محقق برای تبیین آراء و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در ارائه اصول مؤثر از حکمرانی شایسته در عرصه عملکردی است؛ الگویی که ضمن امتزاج اصول و هنجارهای جهان‌شمول، مورد تأکید نظریه‌پردازان این نظریه، آن را بر مدار اخلاق، معنویت و جهان‌بینی توحیدی، به انتظام درمی‌آورد و تلاش دارد کارآمدی دین در ارائه یک نظم سیاسی را جامه عمل بپوشاند. نظام اسلامی که از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها تشکیل شده، تلاش می‌کند، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی مدیریت (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ص ۹۷).

حکمرانی مطلوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخ‌گویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری (میدری، ۱۳۸۳). حکمرانی مطلوب، راهکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفاء، تعهداتشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۹۲). بانک جهانی حکمرانی مطلوب را براساس شش ویژگی تعریف می‌کند: صداقت و پاسخ‌گویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد (دباغ و همکاران، ۱۳۸۸: ص ۹).

نوربخش و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی»، آموزه‌هایی نظیر عدالت، حقوق گروهی، مبارزه با ظلم و فساد، و حضور مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را از جمله مصادیق حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی برمی‌شمارند.

مرشدی‌زاد (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، نشان دادند که اگر قرار باشد تمدن نوین اسلامی در آینده رخ دهد، ضرورت پرداختن به حکمرانی مطلوب و توجه به عناصر اصلی آن یعنی مشارکت، اجماع، حاکمیت قانون، عدالت و انصاف، شفافیت، کارایی و اثربخشی، امری لازم است.

علویان و زارع‌پور (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی با عنوان «شاخصه‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی»، امکان طرح نظریه بومی بر مبنای ولایت فقیه را در اندیشه جوادی آملی امکان‌پذیر می‌داند که با ابتناء بر مشورت، امر به معروف و نهی از منکر و عدالت شکل می‌گیرد.

مقام معظم رهبری، شاخص‌های حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی را اینگونه تبیین می‌کنند: عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد و سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور، به ویژه در سطح عالی رتبه. تحقق این امر با حصول شرایط زیر امکان‌پذیر است: ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، تواضع، پرهیز از اسراف، خردگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل، وسعت نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، پرهیز از منافع شخصی و گروهی (هوای نفس)، شجاعت و قاطعیت در بیان و عملی که حق است، انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا و تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات عمومی. همچنین شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه‌ها، قانون‌گرایی، بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی، شامل پرهیز از تصدی‌گری، تمرکززدایی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات، حفظ سرمایه‌های ملی (محیط زیست)، توجه به فرهنگ به عنوان محیط زیست انسانی در جامعه و مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه ملی و جهانی (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۴-۱۱۵).

بدین ترتیب، علاوه بر نظریه‌پردازان غربی، حکمرانی مطلوب در اندیشه اسلامی نیز جایگاه خاصی دارد. تصمیمات و سازوکارها در حوزه حکمرانی اسلامی می‌تواند از طریق عمل به قواعد حکومتی، نهادها، مؤلفه‌های رفتاری، نظام عادات و نظام‌های سنت‌های الهی حاصل شود. این نگرش به نظام حکمرانی، آن را فراتر از نظام حکومتی اسلامی معرفی می‌کند؛ اگرچه حکومت اسلامی در آن نقشی ویژه دارد. نخ تسبیح همه تصمیمات و سازوکارها نیز حاکمیت اراده و سنن، اوامر و دستورات الهی است (مقصودی، ۱۳۹۶: ص ۷۶). لذا، تأکید حکمرانی اسلامی بر اجرای دقیق آموزه‌های الهی در تمامی ابعاد جامعه بوده که در آن حاکمان اسلامی در راستای حاکمیت خدا و رسول خدا(ص) گام برمی‌دارند. مطابق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (حج: ۱۸)، حکمرانی اسلامی چیزی جز عمل به شیوه آموزه‌های الهی، یعنی آنچه خدا، رسول گرامی خدا، ائمه و جانشینان وی بیان می‌کنند، نیست. این همان چیزی است که در اندیشه رهبری، به وضوح قابل مشاهده است. لذا، ما بدنبال نظریه‌پردازی نیستیم، بلکه معتقدیم، حکمرانی مطلوب از دیدگاه ایشان، بر اصولی استوار است که از طریق خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی امکان‌پذیر خواهد بود. همین امر وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی است.

۴ نقد و ارزیابی حکمرانی مطلوب غربی از منظر مقام معظم رهبری

همان‌گونه که در مبانی نظری الگوی حکمرانی مطلوب ملاحظه شد، هدف اصلی در این الگو، توسعه، به ویژه توسعه اقتصادی و مادی است؛ یعنی از نظر نهادهای بین‌المللی و نظریه‌پردازان، در حکمرانی خوب، مهم این است که دولت از نظر مادی توسعه پیدا کند. از نظر آنان، الگوی مزبور می‌تواند ابزار خوبی برای این توسعه باشد. اما این الگو به عنوان ابزار توسعه، چند مشکل اساسی دارد: اولاً، حکمرانی خوب از نظر هستی‌شناسی، معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. ثانیاً، از نظر انسان‌شناسی، معتقد به اومانیزم است و همه چیز را در محور انسان- نه خدا- ارزیابی می‌کند. ثالثاً، از نظر معرفت‌شناسی معتقد به اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد، قابل شناخت است. بنابراین، به دیگر عوامل معرفت‌توجهی ندارد. رابعاً، از نظر روش‌شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می‌داند و روش وحیانی را، که به تجربه در نمی‌آید، انکار می‌کند (حسینی تاش و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۷-۲۷).

بدین روی حکمرانی مطلوب اولاً، به بُعد معنوی انسان توجه ندارد. حتی حاضر است در صورت نیاز، اخلاقیات و معنویات را فدای توسعه مادی کند. ثانیاً، این الگو تنها به بُعد جسمانی انسان بسنده نموده، به بُعد روحانی و متعالی انسان توجه ندارد. به عبارت دیگر، این الگو تنها می‌تواند یک جامعه توسعه یافته کاملاً مادی به ارمغان آورد. ثالثاً، حکمرانی خوب مبتنی بر لیبرالیسم و اومانیزم است. در لیبرالیسم، آنچه مطرح نیست، مبدأ (خداوند) و معاد و وحی است، یعنی در تفکر لیبرالیستی، اعتقاد به خدا موضوعیتی ندارد.

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی خوب به عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب، وارد شده، مقام معظم رهبری می‌فرماید: الگوی غرب برای توسعه، یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش‌های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته‌اند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ص ۷۶). ایشان به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی، آن را برای کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای اسلامی، مناسب ندانسته، می‌فرماید: به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی، اخلاق و معنویت می‌تواند قربانی پیشرفت مادی شود (همان).

برعکس حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته (حکومت علوی) همیشه ارزش‌های معنوی را بر مصالح مادی مقدّم می‌دارد. امام علی (ع) در یک سخنرانی در باب امامت و خلافت، فرمودند: اگر پایه‌های دین را استوار نگاه دارید، هیچ خسارت دنیوی به شما آسیبی نمی‌رساند؛ ولی هرچه را که از دنیا به دست آورید، در صورتی که دین‌تان را از دست داده باشید، برایتان سودی ندارد (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۳). ایشان به فرمانداران و عمّال حکومت خود می‌فرمودند: مبدا برای اصلاح دنیای خویش، دین خود را به نابودی کشانده، آخرتتان را تباه سازید (همان: خطبه ۱۰۶).

بر این اساس، هر سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی بینجامد، ولی به ارزش‌های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه آن حضرت مردود است. البته چنانچه این جدایی صورت گیرد و مسائل معنوی قربانی مادیت شود، باز هم مصالح دنیوی با شکست مواجه خواهد شد و حتی دنیاطلبان هم به رفاه مطلوب خود نخواهند رسید؛ زیرا حذف گرایش‌های معنوی، خسارت‌های دنیوی فراوانی برجای می‌گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران‌های جدیدی مواجه می‌کند (سروش محلاتی، ۱۳۸۰: ص ۴۸-۵۶).

مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکومت اسلامی (حکمرانی شایسته) بر حکمرانی خوب می‌فرماید: اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هر یک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند. ایشان می‌فرماید: در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است. در جهان‌بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸).

ایشان بر این باور است که: اختیار انسان برای پیمودن مسیر خودپرستی تا خداپرستی، به منظور رسیدن به رستگاری در دیدگاه اسلام، و مذموم بودن دلبستگی به دنیا در این مسیر، یک اصل است. در عین حال، اسلام از زاویه اجتماعی، وظیفه انسان را مدیریت دنیا و استفاده از استعدادها و فراوان طبیعی برای آبادانی دنیا می‌داند. الگوی پیشرفت مبتنی بر معنویت، مدل مطلوب توسعه است (همان).

حکمرانی شایسته عبارت است از فرایند تصمیم‌گیری توسط خداوند یا انبیاء، اولیاء، و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به منظور نیل افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی. حکمرانی شایسته از بعد هستی‌شناسی، هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را تجلیات او و نشأت گرفته از او می‌داند. از بُعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمی‌داند، بلکه

معرفت‌های عقلانی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بعد انسان‌شناسی، انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی می‌داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قایل است، برای بعد معنوی نیز اهمیت قایل می‌شود. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند، بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. نگاه‌های متفاوت به هستی، انسان، معرفت و روش، موجب شکل‌گیری حکومت و حکمرانی‌های متفاوت خواهد شد. به عبارت دیگر، در حکمرانی شایسته، هرچند دنیا و زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد، اما زندگی در آن هدف نیست، بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد. بنابراین، حکمرانی شایسته مبتنی بر جهان‌بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می‌نماید؛ یعنی حکمرانان باید دستورات را از مبدأ هستی‌بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند. به بیان دیگر، آنان باید از زندگی دنیوی به عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند. با توجه به مبانی نظری، گاهی حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب در برخی شاخص‌ها - مثلاً، پاسخ‌گویی - اشتراک دارد، ولی این شاخص‌ها از نظر محتوا متفاوت است؛ زیرا مبانی نظری آن‌ها تفاوت دارند.

لذا، حکمرانی غربی از منظر رهبری، با مشکلات عدیده‌ای مواجه است، از جمله، گسترش و افزایش شکاف‌های طبقاتی و فقر فزاینده طبقات پایین، بت‌وارگی کالاها و شنی شدن روابط انسانی که به از خودبیگانگی انسان انجامیده‌اند، دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های بزرگ و احزاب توده‌ای قفس‌های آهنینی به‌شمار می‌روند که آرمان‌های آزادی و برابری را محدود می‌کنند. تنوع‌گرایی و لذت‌طلبی و نسبی‌گرایی اخلاق موجب شیوع بسیاری از بیماری‌ها، استعمال مواد مخدر، تحلیل روابط عاطفی و سست شدن بنیان خانواده در این‌گونه جوامع است. ایشان تمدن غرب را با وجود پیشرفت‌های فراوان مادی آن، نبود معنویت و آرمان‌های الهی دانسته و تأکید دارند که انحراف‌های گوناگون فکری، عملی و اخلاقی، متلاشی شدن بنیان خانواده، خشونت روزافزون، فساد اخلاقی و خودکشی‌ها در جوامع غربی به‌ویژه آمریکا، ناشی از همین موضوع است. برخی از متفکرین و اندیشمندان آمریکایی صراحتاً به این شکاف‌ها و آسیب‌ها و نبود اخلاق، اذعان می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳/۱۰/۱۳۹۵). عقلانیت ابزاری، عقلانیتی است که به عدم عقلانیت در مقیاسی بزرگ می‌انجامد. جهان افسون‌زدایی و اسطوره‌زدایی می‌شود، ولی ابزارها و فناوری به جای افسانه‌ها، بر انسان تسلط می‌یابند، افزایش هزینه‌های اجتماعی ناشی از خردگرایی ذره‌ای و اخلاقی که موجب افزایش آلودگی محیط زیست، و اسراف و تبذیر در مصرف شده و آثار مثبت رشد اقتصادی را در

معرض خطر قرار داده است (بشیریه، ۱۳۷۴: ص ۴۳۵-۴۳۹). در جوامع نوین، افراد به دنبال کالاهای مادی در مسابقه‌ای دشوار برای کسب مشاغل یا موقعیت‌های اجتماعی بالاتر گرفتار می‌شوند. جنگ و ناتوانی مدل‌های دموکراسی غربی، به وجود آمدن ایدئولوژی‌های مختلف، استفاده از بمب هسته‌ای، و جامعه‌ای دور از عدالت و آزادی اساسی را رقم زده است. ثروت یک جمعی را، یک اقلیتی را بالا برده؛ خود آن ثروت موجب شده که علم پیشرفت پیدا کند؛ اما علم ابزاری برای تبعیض و عدم تعادل اجتماعات و عقب‌رفتگی اجتماعی را به ارمغان آورده است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۶).

غرب کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلام‌گرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غرب‌زدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، «سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافی‌گری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). از نظر جامعه، لذت نه مجوز اقدام است، نه مجوز تصمیم‌گیری و نه مجوز مشروعیت (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷).

۵. راه رسیدن به حکمرانی مطلوب از منظر مقام معظم رهبری

در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، راه رسیدن به اصول حکمرانی مطلوب بر سه پایه استوار است. رسیدن به موارد ذیل، آرمانی‌ترین مسئله در امر حکمرانی محسوب می‌شود، و این همان چیزی است که رهبری در بیان گام دوم به آن اشاره می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۱-۵. خودسازی

پیوند اخلاق و خودسازی و مدیریت دولتی پدیده‌ای است که امروزه به‌شدت مطمح‌نظر ملت‌ها و دولت‌ها قرار گرفته است؛ اگرچه هم اخلاق یک حوزه وسیع و پهناور است و هم حوزه مدیریت دولتی حوزه‌ای پیچیده به‌شمار می‌رود، اما این دو توانسته‌اند با یکدیگر تلفیق شده و البته هم در نظر و هم در عمل موفقیت‌های جالب‌توجهی را کسب نمایند.

اگرچه حضور اخلاق در وادی سیاست‌گذاری عمر اندکی دارد، اما این عمر کم از اهمیت موضوع نکاسته است. هراس رهبران و مسئولین کلان حکومت‌ها از انحطاط و رسوایی از یک‌سو و هشیاری مردم نسبت به مصالح خود و آنچه در درون حکومت‌ها می‌گذرد از سوی دیگر، منجر به توجه بیش از پیش حکمرانان به پدیده اخلاق در حکمرانی شده است. امروزه بر سیاست‌گذاران پوشیده نیست که اخلاق نقش حیاتی در عمر مسئولیت آن‌ها دارد. لذا، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی، پای‌بندی به یک‌سری اصول و قواعد حاکم بر جامعه که همان ارزش‌ها، اعتقادات و فرهنگ جامعه هستند را -اگرچه صوری- بر خود لازم دانسته و در این امر از یکدیگر سبقت می‌جویند. شعار صداقت، عدالت، خوش‌رفتاری با ارباب‌رجوع، مصادیقی از توجه به اخلاق در مدیران کلان و سیاست‌گذاران است. لذا، اولین مرحله برای رسیدن به اصول حکمرانی مطلوب، رعایت اخلاق و خودسازی در حوزه سیاست و سیاست‌گذاری است. از طرفی خودسازی و تهذیب نفس از جمله مسایل مهمی بوده که بسیار مورد تأکید و توجه آیین مقدس اسلام قرار گرفته است و نقش محوری و اساسی در رسیدن انسان به مدارج عالی انسانی و کمالات اخلاقی دارد. قرآن کریم تزکیه و تهذیب نفس را عامل رستگاری و راه وصول به سعادت معرفی کرده و فساد اخلاق را منشأ رذالت‌ها و بدبختی‌ها و مایه زیان می‌شناسد. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»، «به حقیقت که رستگار شد آن کس که خود را از هر ناروا و پلیدی پیراست و زیانکار شد، آنکه به زشتی و ناروا آلوده شد» (شمس: ۹-۱۰). از این آیه می‌توان استفاده کرد که نفس انسان قابلیت تزکیه و نیز آلودگی را دارد و این دو با انتخاب و اختیار انسان انجام می‌پذیرد. او اگر خواست نفس خویش را پاکیزه قرار می‌دهد و اگر نخواست، آن را آلوده می‌سازد.

ایشان همچنین از زبان امام علی(ع) در باب اهمیت تزکیه نفس فرمودند: «آن کس که خود را رهبر مردم می‌داند، بر او است که پیش از تعلیم دیگران به آموزش خویش بپردازد و بایستی پیش از آنکه به زبان تعلیم دهد، عملاً مردم را با پروردگار آشنا سازد و آن کسی که به ادب و آموزش خویش پرداخته و به خودسازی کمر همت بسته است، به احترام سزاوارتر از آن کسی است که دیگران را تعلیم و تربیت کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، دنیاگرایی به عنوان یک فکر، مورد مذمت اسلام است، و به تعبیر زیبایی پیامبر اسلام(ص) «رأس کل خطیئه حب الدنيا» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۱۵). بر این اساس، دو عامل، موجب گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است. دوم «و

اتبعوا الشهوات»؛ بدنبال شهوترانی‌ها، هوس‌ها و در يك جمله دنیاطلبی باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۴/۲۲).

تهدید مهم حکمرانی مطلوب اسلامی نه از بیرون جوامع اسلامی، بلکه از درون است. بزرگ‌ترین تهدید، بازگشت و سرخوردگی فکری رهبران از اصول اولیه نسبت به اصول مسلم دینی است. تاریخ شاهد رهبران انقلابی بوده است، که یا دچار غرور شده‌اند یا جذب دنیاخواهی، مال‌اندوزی و شهوت‌پرستی گردیده و در مراحل نتیجه‌گیری از ادامه راه کنار کشیده و حتی در مقابل یاران قدیمی صف‌آرایی کرده‌اند. در این میان، برخی‌ها با نام عقلانیت، یا پرهیز از جنجال و دردسر، به مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم توجه می‌شوند. بنابراین، نباید از اصول حکمرانی و شعارهای اسلام عقب‌نشینی شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۶/۲).

در حکمرانی اسلامی، فرد نباید غرور داشته باشد، «غرور» یعنی اطمینان و آرامش قلب نسبت به آنچه که با هوای نفس موافق بوده و طبیعت انسان به آن تمایل داشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص ۶۰۴). منشأ این غرور، جهالت یا وسوسه‌های شیطانی است. از پیامدهای غرور که زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و دنیا و آخرت را تباه می‌کند، افکنده شدن حجاب بر عقل، شکست در زندگی، فساد و تباهی عمل می‌باشد. امام سجاد(ع) در دعای چهل‌وششم صحیفه سجّادیه می‌فرماید: «و الشقاء الأثقی لمن اغترّ بک»؛ «بالاترین شقاوت‌ها» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۱۶). غرور باعث انحراف‌ها و انحطاط‌های گوناگونی خواهد شد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۶/۱۸). بنابراین، در اندیشه مقام معظم رهبری، شرط اول، جهت حکمرانی مطلوب، ساختن و تربیت نفس انسانی است، حال این امر شامل همه افراد جامعه از طبقه پایین دستی تا بالادستی می‌شود.

۲-۵. جامعه‌پردازی

دومین روش برای رسیدن به اصول حکمرانی مطلوب، جامعه‌پردازی و آماده کردن جامعه به سوی حکمرانی مطلوب است. اگرچه جامعه‌پردازی بدون خودسازی امکان‌پذیر نیست و همان‌طور که مکانیزم خودسازی تقوا است، مکانیزم جامعه‌پردازی علاوه بر تقوا، آماده ساختن جامعه برای رسیدن به عزت و قدرت در سایه عدالت است. جامعه اسلامی یعنی آن جامعه‌ای که در رأس آن جامعه خدا حکومت می‌کند (امام خمینی، ۱۳۹۲: ج ۵، ص ۴۱۰). قوانین آن جامعه، قوانین خدایی است، حدود الهی در آن جامعه جاری می‌شود، عزل و نصب را خدا می‌کند، در مخروط اجتماعی اگر جامعه را به شکل مخروط فرض و

ترسیم کنیم، همچنان که معمول و مرسوم عده‌ای از جامعه‌شناسان است، در رأس مخروط، خدا است و پایین‌تر از خدا همه انسانیت و همه انسان‌ها هستند، تشکیلات را دین خدا به وجود می‌آورد، قانون صلح و جنگ را مقررات الهی ایجاد می‌کند، روابط اجتماعی را اقتصاد را، حکومت را، حقوق را همه و همه را دین خدا تعیین می‌کند و دین خدا اجرا می‌کند و دین خدا دنبال این قانون می‌ایستد و این جامعه اسلامی است (مهاجرنیا، ۱۳۸۷). به تعبیر دیگر، «جامعه اسلامی آن جامعه‌ای است که بر طبق تعالیم و توصیه‌های پیغمبران خدا، مردم دارای اندیشه و فکر شده‌اند، قدرت تصمیم‌گیری پیدا کرده‌اند، خودشان انتخاب می‌کنند، خودشان دشمن را می‌شناسند، دشمن را دفع می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۱/۹/۱۲؛ به نقل از: مهاجرنیا، ۱۳۸۷). «جامعه اسلامی آن جامعه‌ای است که در آن از تبعیض و ظلم و نابرابری هیچ نشانه‌ای نباشد، در آن از فقر و محرومیت خبری نباشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۷/۴/۳۱؛ به نقل از: مهاجرنیا، ۱۳۸۷).

بنابراین، جامعه‌ای می‌تواند هدف يك ملت زنده، بیدار و باهوش قرار بگیرد؛ یعنی آن تصویر آرمانی يك جامعه برای يك چنین ملتی، آن جامعه‌ای است که در آن ایمان و معنویت باشد (امام خمینی، ۱۳۹۲: ج ۵، ص ۴۱۰)، عدالت باشد، عزت و قدرت باشد، ثروت باشد، رفاه باشد. اگر بخواهیم این مجموعه با هم باشد، بدون معنویت ممکن نیست، بدون آرمان معنوی ممکن نیست، بدون اخلاق ممکن نیست، بدون در نظر گرفتن خدا ممکن نیست، بدون مجاهدت فی سبیل الله ممکن نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۷/۱۷). در جامعه اسلامی دائماً باید صبرور و تحول وجود داشته باشد، تا در این تزریقات بیگانه یا رسوبات گذشته، افراد استحاله نشوند. لذا، در این جامعه‌پردازی است که عناصر و اصول حاکم بر حکمرانی مطلوب، به خوبی قابل مشاهده است.

۳-۵. دولت‌سازی

نظریات دولت‌سازی از آنجا که به تبیین دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت و توجیهی برای حاکمیت به‌شمار می‌روند، با نظریات مختلف دولت‌سازی در تاریخ تمدن‌های غرب و اسلام روبه‌رو بوده‌ایم. روند دولت‌سازی در دوران غیبت امام دوازدهم، پس از انقلاب بزرگ اسلامی ایران با استفاده از تجارب دولت‌سازی در تمدن اسلامی گذشته، وارد مرحله جدید و مهمی از دولت‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی شده است. در مرحله کنونی، نظام جمهوری اسلامی به عنوان نقطه عطف اولین تجربه تاریخ سیاسی شیعه در مردم‌سالاری دینی استقرار یافت که سازوکار دولت‌سازی موجود در آن بر مبنای فقه

سیاسی پویا و محوریت ولایت فقیه با دموکراسی دینی و قانون اساسی برآمده از تجارب عقلی بشری جوامع دیگر، به عنوان الگوی جدید برای دولت اسلامی در عصر غیبت معرفی گردیده است. با این وجود به نظریه‌های دولت‌سازی به مثابه دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت و توجیهی برای حاکمیت و همچنین روند دولت‌سازی در تمدن اسلامی گذشته تاکنون به عنوان تجربه دولت‌سازی برای الگوی جدید دولت اسلامی پرداخته می‌شود.

در دیدگاه مقام معظم رهبری، دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می‌شود و این دولت است که با ساختن از درون و ساختن از برون، می‌تواند اصول حکمرانی مطلوب را برای جامعه به ارمغان آورد. دولت اسلامی به عنوان گام سوم از فرآیند پنج مرحله‌ای تحقق کامل انقلاب اسلامی، دارای اهداف گسترده‌ای است که به نوعی همان اهداف انقلاب اسلامی و خاستگاه اولیه انقلاب هستند. در دیدگاه مقام معظم رهبری یکی از این اهداف اصلی، ایجاد جامعه عادلانه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸). این همان چیزی است که در اصول حکمرانی مطلوب به چشم می‌خورد. البته ایشان در جای دیگری عدل را جزو اهداف میانی برشمرده‌اند و می‌فرمایند: «قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهائی عبارت است از رستگاری انسان» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). ایشان از رستگاری انسان‌ها به حیات طیبه تعبیر می‌کنند که ریشه‌ای قرآنی دارد. از نظر مقام معظم رهبری، وقتی یک ملت، هم از نظر مادی و زندگی روزمره برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان‌های مؤمن و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند، حیات طیبه محقق شده است که ثمره و هدف نهایی انقلاب (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۷/۲۲؛ به نقل از: محمدی مزرعی و همکاران، ۱۳۹۸) و در نتیجه اصول حکمرانی مطلوب به‌شمار می‌رود.

هدف اصلی دیگر دولت اسلامی از یک طرف فراهم ساختن مقدمات تشکیل جامعه اسلامی است که گام چهارم از فرآیند انقلاب اسلامی نیز به‌شمار می‌آید. از طرف دیگر، خودسازی افراد جامعه و دولت می‌باشد. جامعه برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه و جامعه‌ای بدون سکون، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ در واقع حاصل تشکیل دولت اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). باید توجه داشت که از نظر ایشان تحقق این اهداف، تدریجی بوده و باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد: «نظام اسلامی، یک نظام پیش‌ساخته مثل خانه‌های پیش‌ساخته نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).

۶. نتیجه‌گیری

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که اصول حکمرانی مطلوب در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟ و راه رسیدن به آن چگونه است؟

به نظر می‌رسد مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی مطلوب، تضاد و تعارضی با اندیشه‌های مقام معظم رهبری ندارد، ولی نظریه حکمرانی مطلوب از دیدگاه ایشان، بر اصولی استوار است که از طریق خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی امکان‌پذیر خواهد بود و همین امر می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در گام دوم انقلاب اسلامی به جایگاه مطلوب و کارآمدتری برساند. وجه بداعت و نوآوری این تحقیق تلاش برای تبیین آراء و اندیشه‌های مقام معظم رهبری در ارائه یک مدل مؤثر از حکمرانی شایسته در عرصه عملکردی است؛ الگویی که ضمن امتزاج اصول و هنجارهای جهانشمول مورد تأکید نظریه‌پردازان این نظریه، آن را بر مدار اخلاق، معنویت و جهان‌بینی توحیدی به انتظام درمی‌آورد و تلاش دارد کارآمدی دین در ارائه یک نظم سیاسی را جامه عمل بپوشاند.

در اندیشه مقام معظم رهبری، ضمن نقد اصول حکمرانی غربی، اصول حکمرانی مطلوب را بر عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور، به ویژه در سطح عالی رتبه استوار می‌داند. تحقق این امر با حصول شرایط زیر امکان‌پذیر است: ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، تواضع، پرهیز از اسراف، خردگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل، وسعت‌نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، پرهیز از منافع شخصی و گروهی (هوای نفس)، شجاعت و قاطعیت در بیان و عملی که حق است، انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا، تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات عمومی، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه‌ها، قانون‌گرایی، بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی، شامل پرهیز از تصدی‌گری، تمرکززدایی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات، حفظ سرمایه‌های ملی (محیط زیست)، توجه به فرهنگ به عنوان محیط زیست انسانی در جامعه، مشارکت مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه ملی و جهانی. در پاسخ به این سوال که راه رسیدن به این اصول در منظومه فکری مقام معظم رهبری چگونه است؟ باید گفت، خودسازی، جامعه‌سازی، نظام‌سازی و دولت‌سازی مقدمه و راهی برای رسیدن به حکمرانی مطلوب در اندیشه مقام معظم رهبری محسوب می‌شود. لذا، اصول حکمرانی از منظر مقام معظم رهبری بر فراهم آمدن این سه مهم تأکید دارد و با وجود این سه، هم به اصول مطلوب حکمرانی و هم به تمدن‌سازی که نتیجه حکمرانی

مطلوب است، ناپیل خواهد آمد. بنابراین، رسیدن به مرحله تمدن‌سازی، رسیدن به حکمرانی مطلوب می‌باشد که شرط لازم برای این کار خودسازی، جامعه‌سازی و نظام‌سازی است. در اندیشه مقام معظم رهبری، برای اصول حکمرانی، شاخصه‌های کلانی وجود که در بخش‌های قبلی این پژوهش اشاره گردید و شاخص‌های جزئی‌تر آن در جدول شماره (۱) آمده است. پرداختن به همه شاخص‌ها، از عهده پژوهش حاضر خارج است.

جدول ۱- حکمرانی مطلوب در انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

روش حکمرانی	شاخص‌های خرد	شاخص‌های خردتر
مبانی اندیشه اسلامی و التزام به آن خودسازی	ایمان به وعده‌های الهی	عقاید اسلامی
		آخرت‌گرایی
		نگاه معنوی به مسئولیت
		شناخت عمیق اسلام
	التزام عملی به دستورات دینی	محوریت موازین اسلامی در مدیریت
		اهتمام به مسائل عبادی
		تکلیف‌گرایی
		رعایت تقوا
		تعظیم شعائر اسلامی
		اشاعه فرهنگ اسلامی
	آراستگی به فضایل اخلاقی	مواجهه اخلاقی با زیرمجموعه
		اسلام‌محوری در سیاست خارجی
استقامت		
شجاعت		
عدم خودشیفتگی		
صداقت		
ساده‌زیستی		
اصلاح نفس		
حق‌گرایی		
اخلاص		
پارسایی		
قاطعیت		

شاخص‌های خردتر	شاخص‌های خرد	روش حکمرانی
تلاش موثر	اهتمام به مسئولیت	دولت‌سازی
احساس مسئولیت		
قدردانی فرصت‌ها		
شناخت صحیح مسائل کشور	رصد مسائل کشور و کارآمدی در حل آن‌ها	
پیگیری کارها تا به ثمر رسیدن		
اصلاح سازوکارهای اداره کشور		
اهتمام به امور زیربنایی		
توجه به اقتصاد		
اهتمام به پیشرفت کشور		
اهمیت دادن به توسعه علمی	مدیریت صحیح زیرمجموعه	
نظارت موثر		
شایسته‌سالاری		
انگیزش		
جوان‌گرایی		
نخبه‌پروری	عقلانیت‌ورزی	
تدبیر در امور		
واقع‌گرایی		
اهلیت علمی		
یادگیری- تفکر	قانون‌مداری	همدلی با سایر مسئولان
	وحدت‌گرایی اسلامی	
	صلح‌جویی بین‌المللی	
	حفظ انسجام ملی	
انسجام مسئولین		
انصاف در مواجهه با سایر مسئولین		خودسازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی
درک صحیح از نظام	بینش انقلابی	
اعتماد به مبانی انقلاب		
ولایت‌مداری	تعهد نسبت به سیاست‌های اعلامی نظام	
پایبندی به سیاست‌های نظام		
حمایت از نظام		
تحقق عینی ارزش‌های انقلاب		
استکبارستیزی		

شاخص‌های خردتر	شاخص‌های خرد	روش حکمرانی
پاسخ‌گویی در قبال مردم	مردم‌سالاری	جامعه‌سازی (آرمان‌گرایی عدالت‌محوری)
	آزاداندیشی و احترام به آن	
	خدمت به مردم	
	شناخت صحیح مردم	
	عزت‌مندی در روابط بین‌المللی	
	اعتماد به نفس ملی	
	امیدواری	
	ایجاد خودباوری در جامعه	
	تحول خواهی	
	عدل‌گستری	
	مبارزه با فساد	
	محرومیت‌زدایی	

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابراهیم پور، حبیب؛ زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۱). حکمرانی مبتنی بر پایداری با تأکید بر حفاظت محیطی. تهران: انتشارات سمت.

امامزاده فرد، پرویز (۱۳۹۰). جایگاه و نقش حقوق بشر در حکمرانی مطلوب. حقوق بشر، شماره ۱.

بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.

حسینی تاج، سید علی و همکاران (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع). اسلام و پژوهش مدیریتی، شماره ۸.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۶/۰۲). بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۶۱>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۹/۱۰). بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۰۶۶۴>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱۰/۱۳). بیانات در دیدار با نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۲۳۸۹۰>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۲۴). بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۷۵۹۷>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). خطبه‌های نماز جمعه تهران. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=۱۸۹۲۳&nt=۲&year=۱۳۹۰&tid=۱۱۵۲>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۵/۱۶). سی روز، سی گفتار. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۶۸۸۲>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۰۷/۱۷). مردمی که دل‌ها را روی زره‌هایشان پوشیدند. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=۲۵۵۴۰>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۰۲/۱۸). بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۸۸>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۶/۱۸). بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۸۰۱۹>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۰۴/۲۲). بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=۲۶۲۷&nt=۲&year=۱۳۷۱>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۲۶). *بیانات در دیدار با نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۷۶۵۶>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۲/۲۷). *بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان*. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۶۹۱۷>

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵. دادخواه، هادی و همکاران (۱۳۹۷). نقش حکمرانی خوب و اقتصاد مقاومتی در توسعه شهری. *راهبرد*، شماره ۸۷. دباغ، سروش؛ نفری، ندا (۱۳۸۸). تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب. *مدیریت دولتی*، شماره ۳. درزی، قاسم؛ صدریه، پیام (۱۳۹۴). نگرشی میان‌رشته‌ای به حکمرانی خوب، زمینه‌مندسازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه. *پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۱۴(۴۶): ص ۱۰۳-۱۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). *مفردات الفاظ القرآن*. دمشق: ناشر الکتاب. رزمی، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۴). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی. *اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی*، شماره ۲. سپهردوست، حمید و همکاران (۱۳۹۴). بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی. *پژوهش‌های اقتصادی کاربردی*، شماره ۲. سردارنیا، خلیل‌الله؛ شاکری، حمید (۱۳۹۳). تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا. *مطالعات حقوقی*، ۶(۴).
- سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۰). اهداف و آرمان‌های حکومت. *قیاسات*، شماره ۲۰-۲۱. شریف‌زاده، فتاح و همکاران (۱۳۹۸). حکمرانی خوب و نقش دولت. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱(۲). علویان، مرتضی؛ زارع‌پور، محمد (۱۳۹۶). شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی. *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، شماره ۱۱. قاضی طباطبایی، محمود؛ نصرتی، روح‌الله؛ کاظمی، علی (۱۳۹۱). ارزیابی الگوی نظری حکمرانی خوب در تبیین وضعیت توسعه انسانی. *توسعه محلی (روستایی- شهری)*، ۴(۱): ص ۳۹-۵۲. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). *نقش دولت در حکمرانی خوب*. رساله دکتری. تهران: دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲. مبارک، اصغر؛ آذریپوند، زیبا (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی. *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۶. محمدی مزرعی، خدیجه و همکاران (۱۳۹۸). ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۴۲.

- مرشدیزاد، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی. *آینده پژوهشی ایران*، شماره ۲.
- مقصودی، حمیدرضا (۱۳۹۶). استخراج شاخصه‌های «نظریه» در اقتصاد متعارف و ارزیابی این شاخصه‌ها مبتنی بر آراء شهید سید محمدباقر صدر. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۹.
- مکیان، سید نظام‌الدین؛ بی‌باک، مژده (۱۳۹۴). تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی: یک تحلیل بین کشوری. *مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۳۰.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۷). جامعه آرمانی در اندیشه مقام معظم رهبری. *معارف*، شماره ۶۳.
- میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب بنیان توسعه*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). *حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی*. *علوم انسانی*، شماره ۷۶.
- نوربخش، بهمن و همکاران (۱۳۹۸). جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی. *رهیافت انقلاب اسلامی*، شماره ۴۷.